

مالکان چهارباغ طهران

اکبر تهرانی شفق

موضوع این نوشتار، بخشی از تاریخچه یکی از بناهای مشهور تهران قدیم، یعنی چهارباغ طهران و نیز درباره نخستین مالکان زمین و عرصه آن است که بعدها کاخ گلستان^۱ در آن احداث گردید. از زمان صفویه که یک آرگ به‌عنوان مرکز حکومت در شهر تهران (میدان ۱۵ خرداد فعلی) ایجاد شد، چهارباغ طهران در این مرکز شکل گرفت و بناهای مشهوری چون شمس‌العماره، تکیه دولت، مدرسه دارالفنون و برخی بناهای دیگر در مقاطع مختلف تاریخی در آن ساخته شد. کاخ گلستان نیز از بناهایی بود که در محوطه آرگ قدیم و در عرصه چهارباغ ساخته شد.

سند مالکیت زمین چهارباغ طهران

نگارنده بر اساس نقل قول و شنیدنی‌ها، به این نتیجه رسیده بود که خاندان سیل‌سپور^۲ از لشکریان و امیران دربار شاه‌عباس صفوی و جزو مالکان اولیه چهارباغ طهران بودند، ولی جهت تأیید و اثبات این ادعا، می‌بایست به هزرتوی تاریخ کشورم در لابه‌لای آثار، منابع، کتب و اسناد سری بزنم تا بتوانم این افسانه

۱. کاخ گلستان، یکی از بافت‌های مهم تاریخی و از مکان‌های بسیار دیدنی و گردشگری ایران است که در منطقه ۱۲ شهرداری تهران قرار دارد.

۲. مشوق اصلی نگارنده در جستجوی تاریخی و پژوهش برای شناخت پیشینه و جایگاه خاندان سیل‌سپور که منجر به یافتن «سند مالکیت اولین صاحبان زمین چهارباغ» و نگارش این مقاله و نیز تألیف کتاب *امیران دربار گردید، کسی نبود جز مادر مرشده‌ام، زهرا سلطان سیل‌سپور*، که همواره این مطالب را - که سینه به سینه از پدرانش شنیده بود - در گوشم نجوا می‌کرد: «خاندان سیل‌سپور از امیران دربار صفوی بودند و ما نیز از آن خاندانیم.»



امیرتومان امیرخان سیل سپور
(ملقب به معین الممالک)
اقتباس از کتاب «امیران دربار»

تاریخی را به مستند بدل سازم.

در کتاب *عالم‌آرای عباسی*^۱ در جلد دوم صفحه ۴۸۰، آمده: «در سال ۱۰۱۳ هـ ق مصادف با هفدهمین سال جلوس شاه عباس بزرگ صفوی، قریب دو هزار خانوار از سیل سپورها به دستور شاه عباس در ولایات ری اسکان داده شده‌اند».

در صفحه ۵۸۲ به نام یکی از امرای این خاندان «خلیل سلطان سیل سپور» اشارت رفت. در صفحات ۵۹۴، ۷۶۷، ۷۹۴ مجدداً با نام «امیرتومان خلیل سلطان سیل سپور» برخورد نمودم که مطالب صفحه ۷۶۷ کتاب، ناظر به چهلمین سال جلوس شاه عباس صفوی، و مصادف با ۱۰۳۶ هـ ق است که نوشته شده: «دلاوران سیل سپور^۲ به همراهی و فرماندهی خلیل سلطان سیل سپور در جنگ فتح بغداد شرکت داشته‌اند». در صفحه ۷۹۴، اسکندربیک، خلیل سلطان را در زمره یکی از امیران دربار شاه عباس صفوی معرفی نموده است.

شرح زندگی این خاندان از زمان صفویه تا دوره قاجاریه در کتاب *امیران دربار*^۳ تألیف نگارنده، پیگیری شده و نام‌های زیادی از امراء، رجال و بزرگان این خاندان در کتاب مذکور آمده است؛ از این رو برای جلوگیری از اطاله کلام، فقط به ذکر نام آخرین امیر از این خاندان در دوره قاجار اکتفا می‌گردد.

آخرین امیر از خاندان سیل سپور، امیرتومان^۴ امیرخان سیل سپور ملقب به «معین الممالک» است که در زمان قاجاریه می‌زیسته. پدر او امیرتومان «خانلرخان سیل سپور»، یکی از صاحبان اصلی ملک چهارباغ طهران، و زوجه مشارالیه، مولود خانم (دختر میرزا نصرالله‌خان امین^۵ حضور) است. معین الممالک تا بعد از

۱. اسکندربیک منشی، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح و مقابله اسماعیل برادران شاهرودی، نشر طلوع سیروس، ۱۳۶۴.

۲. سیل سپور واژه‌ای است ترکیبی از دو کلمه «سیل» و «سپور» که در لغت به معنای «پاکروب» و در اصطلاح، رسته‌ای نظامی است که در دوره صفوی وظیفه مهندسی نظامی و آماده سازی میدان نبرد را، پیش و پس از پایان جنگ، به عهده داشتند. این رسته را شاه طهماسب اول صفوی در ارتش ایران ایجاد کردید.

۳. تهرانی، *امیران دربار: شرح احوال خاندان سیل سپور (از صفوی تا قاجار)*.

۴. امیرتومان به فرمانده قشونی قریب به ده هزار نفر از نیروهای مسلح گفته می‌شد؛ یعنی مقامی بالاتر از میرپنج (که خود مقامی بالاتر از سرتیپ و پائین تر از امیرتومان است). امیرتومان منصبی پائین تر از امیرنویان «ارتشبدی» میباشد، که معادل سپهبدی فعلی بوده است، امیر به معنی فرمانده ارشد، و فرمانده رده بالا، تومان که یک کلمه مغولی‌ست، یعنی ده هزار نفر.

۵. آقاعلی امین حضور، از دوستان نزدیک و همراهان خاص ناصرالدین شاه بود و از سال ۱۲۱۹ هـ ق،

چهارباغ ابتیاعی از عالی جاہان خانلرخان سیل سپور و عباس خان قاجار
فاندرخان ہمسرد عباس خان قاجار
سابع غرہ شوال ۱۲۶۲
بر مبلغ احمک
و مصالحو ہر دوران آدم ۵۰۰ تومانی

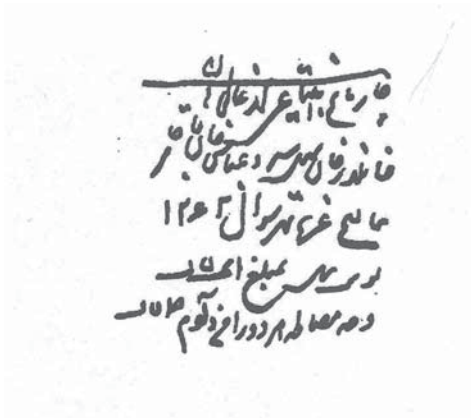
برگرفته شدہ از دفترچہ املاک حاج میرزا آغاسی

چهارباغ ابتیاعی از عالی جاہان خانلرخان سیل سپور و عباس خان قاجار
بہ تاریخ غرہ شوال ۱۲۶۲ یونیت نیل بہ مبلغ ۲۰۰۰ تومان وجہ
مصالحو ہر دوران و آدم ۵۰۰ تومان^۱

بازخوانی سندی سیاقیہ بدون شرح و بیان از جناب آقای محسن روستایی-پژوہشگر و سندپژوہ
سازمان اسناد و کتابخانہ ملی ایران، اقتباس از کتاب «امیران دربار»

انقراض قاجاریه و فوت احمدشاه قاجار در قید حیات بوده. بعد از فوت معین الممالک، جنازه‌اش پس از تشییع در جوار بارگاه ملکوتی مولی امیرالمؤمنین علی (ع) به خاک سپرده شد.

مالکان چهارباغ طهران



برگرفته شده از دفترچه املاک حاج میرزا آقاسی

چهارباغ ایتیمی از عالی جاها خانلرخان سیل‌سپور و عباس‌خان قاجار به تاریخ نهم شهر شوال ۱۲۶۲ یونیت نیل به مبلغ ۲۰۰۰ تومان وجه مصالحه هر دوران و آدم ۵۰۰ تومان^۱

در فصل هشتم کتاب *امیران دربار* با عنوان محل اسکان سیل‌سپورها، در مبحث سوم آن با لقب «چهارباغ طهران محل سکونت خانواده‌های اعیان و وابسته به دربار»، چنین می‌خوانیم: «یکی دیگر از محل‌های اسکان خانواده‌های سیل‌سپور، منطقه چهارباغ طهران بوده که البته تعداد خانوار مسکون آنها نامشخص است، ولی وفق اسناد تاریخی این مکان محله اعیان‌نشین بوده و صاحبان اصلی عمارت این منطقه خانلرخان سیل‌سپور^۱ و عباس‌خان قاجار^۲ بوده‌اند. لذا چنین به نظر می‌رسد که این دو تن، از بزرگان وقت خانواده‌های وابسته به دربار و اعیان سیل‌سپور و قاجار بوده که «صاحبان اصلی و احداث‌کنندگان این باغ و عمارت آن می‌باشند.»

نام‌های این دو شخصیت به عنوان بایع و

فروشنده چهارباغ در دفتر املاک صدراعظم وقت «حاجی میرزا آقاسی» به نحو مکتوب به عنوان یک سند تاریخی مضبوط شده که میرزا آقاسی به سال ۱۳۶۲ هـ ق از فروشندگان، مورد معامله را خریداری نموده است.

البته امکان هم دارد که این دو شخصیت این مکان را از پدران خود به ارث برده یا حتی خود بانی و

ریاست اداره بیوتات سلطنتی را به عهده داشت. در سال ۱۳۰۱ هـ ق، به سمت وزیر ابقا یا منصوب گردید. ایشان دارای چهار پسر (به نام‌های اسدالله خان، میرزا نصرالله خان، نورالله خان، میرزا عبدالله خان) بود که میرزا نصرالله خان امین حضور، در دوران سلطنت مظفرالدین شاه از خدمتگزاران خاصه دربار بود.

۱. خانلرخان سیل‌سپور، با درجه امیرتومانی (سپهبد فعلی) یکی از افسران ارشد دربار محمد شاه و ناصر الدین شاه بوده، وی پدر امیرتومان (امیرخان سیل‌سپور) ملقب به معین‌الممالک می‌باشد، و همان‌طور که در بالا اشاره شد، مالک چهارباغ طهران بوده، که این مکان را برای استفاده دولت وقت به حاجی میرزا آقاسی فروخته است.

۲. عباس‌خان قاجار داماد خانلرخان سیل‌سپور بود.

احداث‌کننده باشند.

آنچه مسلم است این است که این دو نفر از خانواده‌های وابسته به «سیل سپور» و قاجار بوده‌اند، که حاجی میرزا آقاسی این مکان را از آنان اکتیاع کرده است.^۱

قنات مهران تأمین‌کننده آب چهارباغ

چهارباغ تهران، دارای حقایبه نیز بود که از قنات مهران جاری و مشروب می‌گردید. در این باره، محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب *مرآت البلدان* در صفحات ۲۹۳ و ۲۹۴ می‌گوید: «قدیمی‌ترین قنات طهران، قنات مهران است... این قنات مربوط به هزار سال قبل بوده است، به این سبب مهران نامیده می‌شود که مادرچاه آن در ده مهران از توابع تجریش در محدوده میان ضرابخانه سیدخندان و مجیدیه واقع بوده است. این قنات بعدها به قنات مهرگرد معروف شد و [پس از طی چند کیلومتر] در ارگ ظاهر می‌شد.» آقای سید عبدالحجّت حسینی بلاغی هم در کتاب خود به نام *تاریخ تهران*، در قسمت مرکزی تهران و مضافات در صفحات ط ۲۵ و ط ۲۶ در باره این قنات، چنین می‌نویسد: «مظهر قنات مهرگرد در اندرون عمارت سلطنتی کاخ گلستان است. قنات مهرگرد که در ارگ جاری و دهنه آن در عمارت معروف سرچشمه است، متعلق به قلعه مهران و خلیل آباد بوده است. «گرد» در لغت به معنی آباد و معرب می‌شود به «گرد»، مثل داراب گرد و داراب جرد. مجرای قنات مهرگرد موقوفه است و تقسیم آب قنات مهرگرد در ایام هفته چنین صورت داده شده: شب شنبه، شب و روز دوشنبه، شب سه شنبه و روز چهارشنبه و شب پنج شنبه محله عودلاجان.

روز شنبه: خانه مستوفی الممالک.

شب یکشنبه: کوچه باغ ایلچی.

روز یکشنبه: خانه‌های معتمدالدوله و گذر هفت تن.

روز سه شنبه: عباس آباد، در کوچه‌های حمام چال و خانه زنبورکچی باشی.

روز پنج شنبه: محله عباس آباد.

شب جمعه: محله کوچه غریبان.

روز جمعه: خانه حسام السلطنه و گذر نوروزخان.

مهرگرد دارای دو سنگ‌آب بود و مادرچاه آن تا شهر، نیم فرسنگ مسافت دارد و از سمت شمال وارد شهر می‌شود.»

۱. سند این مبیعه‌نامه، در دفترچه املاک حاج میرزا آقاسی در صفحه ۷۳ مضبوط است که در این صفحه به نحو مکتوب و خطی یادداشت گردیده و اصل دفترچه املاک در موزه رضوی نگهداری می‌شود. جهت استفاده و استناد به آن و مزید اطلاع خوانندگان عزیز، سوادى از آن را که از روی میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شناسایی کرده‌ام، در این مقاله آورده‌ام.



حال با نگرش به گفتار صدرالذکر باید گفت: آنچه مسلم است، مظهر این قنات در منطقه اعیان نشین «چهارباغ طهران» بوده که پس از مشروب نمودن چهارباغ، به محلات دیگر تهران قدیم روانه شده و طبق برنامه هفتگی، باغات و محله‌های مذکور از طریق این قنات آبیاری می‌گردید. و اما در خصوص سابقه تاریخی و قدمت قنات و دیه مهران در کتاب *طهران قدیم تا تهران جدید*^۱ صفحات ۳۴ و ۳۵، این‌گونه آمده:

این دیه که در عهد باستان در تهران = تهران، قرار داشته که متعلق به خاندان مهران^۲ بوده و چون در زمان قاجاریه مرکز باروت‌سازی دولتی در آنجا تأسیس یافته، این دیه به نام ضرابخانه معروف شده است که حالیه به علت تغییرات بسیار در چهره این منطقه می‌توان گفت که محدوده ده مهران از خیابانی که امروز به نام سروستان یکم

خوانده می‌شود که تا چندی پیش هم «مهران نام داشت»، در سراه ضرابخانه شروع می‌شده، در این محدوده رودخانه‌ای قرار داشته که حالیه نیز موجود است و خیابان سروستان یکم تا این رودخانه امتداد دارد. بعد از این رودخانه، خیابانی است که فعلاً مهران کتابی نام دارد؛ لذا باید گفت همهٔ محدودهٔ اطراف این رودخانه و قسمت‌های زیادی از خیابان پاسداران فعلی به طرف ضرابخانه و منطقه بنی‌هاشم همگی متعلق به ده مهران بوده است.

این منطقه کوچک هم‌چنان نام قدیمی خود را حفظ و در نقشه‌های جدید شهر تهران نیز، مهران نامیده

۱. تهرانی، اکبر، *طهران قدیم تا تهران جدید*، انتشارات بوستان، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۲. این خاندان در نواحی مختلف کشور صاحب املاکی بوده‌اند که آثار منسوب به خاندان مهران در پاره‌ای از نقاط ایران دیده شده است؛ از آن جمله در بیستون نقشی موجود است که نفر اول شاه، نفر دوم گودرز و نفر سوم فردی به نام مهران از خاندان مهران است. دیگر ده بوژمهران در ده کیلومتری نیشابور است و دیگری در ناحیه ری که همان نقش بهرام چوبین (پدر مهران) است بر صخره کوه موسوم به دز رشکان (دژ اشکان)، (چشمه علی فعلی) که آخرین محل و خواستگاه آنان، محله زامهران، مخفف دروازه مهران است. دروازه مهران از آبادترین برزن‌های شمالی ری در عصر ساسانی و در قرن اسلامی محل اقامت خاندان مهران در ری بوده است. دروازه مهران چنان‌که حدس زده شده است، در مدخل راه فعلی تهران به حضرت عبدالعظیم، در حدود سهراب سیمان واقع بوده و خاندان مهران بر حسب قاعده، در نیمه شمالی ری، در دو سوی خیابان شهر ری فعلی در فاصله سه راه سیمان (پل سیمان) تا حدود امامزاده عبدالله مقیم بوده‌اند.

می‌شود.

به‌ر حال قسمت‌های زیادی از خیابان پاسداران فعلی (سلطنت آباد قدیم) به طرف میدان ضرابخانه در عداد ده مهران بوده که بر همین اساس باغی به نام مهران اردشیر هنوز در حدفاصل میدان ضرابخانه و بنی‌هاشم وجود دارد که با دیوارهای گلی در حال خودنمایی است.

احداث عمارت کاخ گلستان به‌جای چهارباغ طهران

در خصوص چگونگی احداث کاخ گلستان در مکان چهارباغ، نویسندگان برخی کتب، مطالبی انشاء کرده‌اند که از جمله آنها، آقایان عبدالعزیز جواهر کلام مصنف کتاب تاریخ طهران و محمد حسین اعتمادالسلطنه مؤلف کتاب *مرآت البلدان* هستند. آنان در کتاب خود آورده‌اند: «در زمان سلطنت صفویه در طهران هیچ عمارتی اصلاً ساخته نشده بود».

و آقای مهندس محسن معتمدی مؤلف کتاب *جغرافیای تاریخی طهران* هم در کتاب خود آورده است: داخل محوطه ارگ و پیش از آنکه پیرامون آن حصار ایجاد گردد و ارگ نام گیرد، «چهارباغ در این محل وجود داشته است» که حداقل در اواخر عهد صفوی احداث شده بوده است.

و از سویی در *مجله اطلاعات ماهیانه* با مدیرمسئولی عباس مسعودی به شماره ۱۱، انتشار بهمن ۱۳۲۸ هـ.ش در صفحه ۲۷ چنین آمده است:

«تا اواسط سلطنت ناصرالدین شاه قاجار یعنی سال ۱۲۹۰ هـ.ق، کوچک‌ترین اثر از عبارت مفصل و زیبایی که امروز به نام کاخ گلستان معروف است، وجود نداشت و به جای بنای مجلل کاخ کنونی، باغ بزرگ و زیبایی بود که شاه قاجار هر وقت حوصله‌اش سر می‌رفت، از اندرون خود که حالا به عمارت خوابگاه معروف است، برای تفریح و تفرّج به آنجا می‌رفت و ساعتی را در اطراف آن قدم می‌زد، در یکی از آن روزها ناصرالدین شاه تصمیم گرفت برای جواهرات سلطنتی خود موزه‌ای بسازد که یک هفته بعد از آن روز، این تصمیم عملی، و ساختمان کاخ گلستان در حدود پنج سال طول کشید، در این پنج سال مرتب به آن سرکشی می‌نمود، و هر وقت که به آنجا می‌رفت، می‌گفت «کاش عمرم کفاف بدهد که این ساختمان را تمام کنم.» تا اینکه عمر شاه کفاف داد و ساختمان به پایان رسید، و آنرا شخصاً افتتاح نمود.»

لذا با استناد به مفاد تاریخی فوق، مسلماً باغ بزرگ و زیبای مذکور در متن پیش گفته، همان چهارباغ و یا قسمتی از آن باشد، که در سنه ۱۲۶۲ هجری قمری، یعنی دو سال قبل از به‌حکومت رسیدن ناصرالدین شاه، در زمان محمدشاه قاجار، به وسیله حاجی میرزا آقاسی رئیس الوزراء وقت، از «خانلرخان سیل سپور و عباس خان قاجار». خریداری گردیده، تا این که به‌جای آن کاخ گلستان ایجاد گردیده است.

حلیت بخشیدن اراضی کاخ گلستان

در خصوص حلیت بخشیدن عرصه کاخ گلستان، از سوی حکومت وقت ناصری، در کتاب طهران قدیم

تا تهران جدید،^۱ چنین آمده است:

«حاج میرزا آقاسی دوست داشت همانند خانواده ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، یکی از معتبرترین ملاک ایران باشد. به همین علت، املاک موروثی مردم را به زور یا با حيله و دسيسه تصرف می‌کرده و خانواده‌های محترم را بی‌سر و سامان و پریشان می‌داشته و به خاک سیاه می‌نشانیده است؛ لذا اگر چشم صدراعظم، ملکی را می‌گرفته، با سوءاستفاده از موقعیتی که داشته، به هر وضعی که شده آن ملک را حتی اگر موروثی بوده باشد، از طرق مختلف مورد تصرف قرار می‌داده؛ اگر می‌توانسته به زور متوسل می‌شده، در غیر این صورت آن را به نحو مقتضی ابتیاع می‌کرده است.

به همین علت در زمان ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۷۲ هـ.ق، یعنی درست دو سال بعد از خرید چهارباغ طهران توسط «حاجی میرزا آقاسی» صدراعظم محمد شاه قاجار و پس از تشکیل ارگ سلطنتی، چون اراضی ارگ مجهول الحال بود؛ یعنی یا با زور غصب یا بدون رضایت صاحبانش بالاچار از آنها به قیمت نازل خریداری گردیده بود؛ از این رو چون ناصرالدین شاه به اعتقادات مذهبی پای‌بند بود و از طرفی به حیث رفع هرگونه جو بدبینی مردم نسبت به این موضوع، درصدد برآمد تا قضیه را از راه شرعی حل و فصل کند تا مردم نگویند که در عمارت و بیوتات دیوانی، اقامه نماز اشکال دارد. بر همین اساس بنا به دستور صدراعظم وقت، میرزا آقاخان نوری (۱۲۶۸ - ۱۲۷۵ق)، ناصرالدین شاه اراضی ارگ را از مجتهد زمان «شیخ عبدالحسین»^۲ اجاره نمودند تا برای نمازگزاران حلیت داشته باشد.

لذا بنا به دستور صدراعظم قرار شد که این خبر به اطلاع مردم رسانیده شود. بدین علت این خبر در صفحه نخست روزنامه وقایع اتفاقیه به تاریخ یوم پنج‌شنبه بیست و دویم شهر جمادی الاول سال ۱۲۷۲ هـ.ق منتشر گردید که ما هم عیناً این خبر را نقل می‌نمائیم:^۳

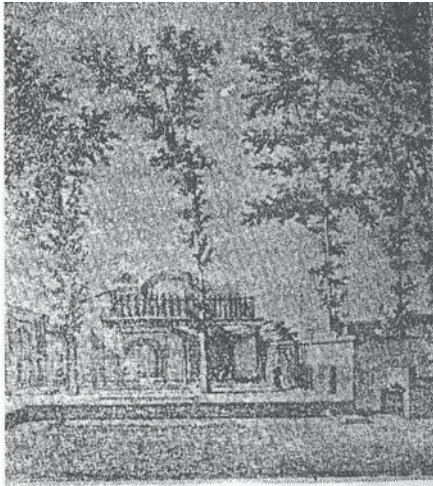
«در روزنامه هفته گذشته نوشته شده بود که جناب اشرف امجد صدراعظم افخم مقرر داشتند اراضی مجهول الحال ارگ را از جناب مجتهد الزمان شیخ عبدالحسین برای حلیت و اباحه نماز اجاره کنند، چون

۱. تهرانی، طهران قدیم تا تهران جدید، صص ۹۷-۹۹.

۲. مرحوم شیخ عبدالحسین مجتهد طهرانی ملقب به شیخ العراقین (عراق عجم و عراق عرب)، همان کسی است که از ثلث مال میرزا تقی خان امیرکبیر، در آخر بازار اُرسی دوزها (بازار کفّاش‌ها)، مسجد و مدرسه مجللی ساخت که سال‌ها به اسم او معروف بود، ولی امروزه به ناروا، آنجا را مسجد ترک‌ها می‌نامند. پس از اتمام ساخت مسجد مزبور، مرحوم شیخ العراقین از طرف ناصرالدین شاه قاجار، مأمور طلاکاری گنبد عسگریین - علیهماالسلام - گردید و از عهده این خدمت هم به خوبی برآمد و نامش در عتبات عالیات جاویدان ماند. ایشان بعد از انجام آن مأموریت، چندی در کاظمین بیمار شد و در ماه رمضان ۱۲۸۶ق، وفات یافت. پیکر او را به کربلا منتقل ساختند و در حجره متصل به باب سلطانی در صحن مطهر امام حسین (ع) مدفون شد.

۳. روزنامه وقایع اتفاقیه به همت میرزا تقی خان امیرکبیر، با رضایت کامل ناصرالدین شاه و به فرمان او چاپ و منتشر گردیده است. اولین شماره این روزنامه در روز پنجشنبه ۲۱ محرم الحرام سال ۱۲۶۷ هـ.ق، به چاپ رسیده؛ ضمناً مدیر مسئول این روزنامه، حاج میرزا جبار تذکره‌چی بوده است که قبل از آن تاریخ، کنسول‌گری ایران در بغداد را برعهده داشته است.

مختصر و مبهم نوشته شده بود، به طور وضوح حال نوشته می‌شود که جناب جلالت مآب معظم اراضی و بیوتات و عمارات دیوانی ارگ را که مجهول الحال است، کلاً برای حلیت نماز و اباحه مکان از جانب شیخ معزی الیه اجاره شرعی نمودند، که برای جمیع مسلمین و مؤمنین حلیت داشته باشد، و هرکس در هر جا از عمارت و بیوتات دیوانی ارگ هر وقت خواسته باشد نماز کند، برای او مباح و حلال باشد، و به جهت اطلاع کافه مسلمین نوشتن اخبار این فقره لازم بود.»



عمارت چهارباغ طهران در زمان صفویه، اقتباس از کتاب «امیران دربار»

فلذا خبر مندرج در روزنامه وقایع اتفاقیه، می‌تواند سندی باشد مبنی بر اینکه حاج میرزا آقاسی به هر وضعی که بود، املاک مورد نظر خود را (آن هم در محدوده ارگ) با زور یا ابتیاع ملک، از چنگ مالکان آنها بیرون می‌آورد، حتی اگر موروثی باشد که این خود شاهد دیگری است در مورد خرید ملک چهارباغ طهران از خانلرخان سیل سپور و عباس خان قاجار.

بر اساس مطالب مذکور، پر واضح است که پس از خرید چهارباغ طهران توسط حاجی میرزا آقاسی، این عمارت در اختیار دولت قرار گرفته، خالصه محسوب گردیده و از طرفی قطعاً به سبب وجود این عمارت بوده که کریمخان زند هم در تابستان سال ۱۱۷۳ هـ ق، بنای عمارت سلطنتی و دیوانخانه و حرمخانه خود را کنار این عمارت بنا نهاده و می‌خواسته طهران را پایتخت خود قرار دهد، ولی از این عمل منصرف شده تا این که مقرر فرماندهی و حکومت و پایتخت خود را در شیراز مستقر کرده است. بدیهی است اگر کریمخان وکیل‌الرعا یا هم طهران را پایتخت خود قرار می‌داد، شاید ایشان هم در زمان خود چهار باغ طهران را از صاحبانش خریداری می‌نمود.

شایان ذکر است که این عمارت (عمارت چهارباغ)، از زمان ساخت عمارت کریمخانی که در سال ۱۱۷۳ هـ ق، ساخته شده، مدت ۸۹ سال دیگر بعد از کریمخان زند، در مالکیت «خاندان سیل سپور و عباس خان قاجار»، بوده تا اینکه در سنه ۱۲۶۲ هـ ق، میرزا آقاسی آن را خریداری نمود و بعدها بنابر احتیاج دولت قاجاریه، در جهت تشکیل ارگ سلطنتی، این عمارت چون ملک شخصی بوده و از طرفی کنار کاخ کریمخانی - که از املاک خالصه و مربوط به دربار بوده و احتیاجی به ابتیاع نداشته - قرار گرفته، خریداری گردید و کاخ گلستان در آن بنا شد.

گفتار را با دویستی زیر - که کمینه به افتخار ایرانشهر عزیز سروده‌ام - به پایان می‌برم.

هرآن کس شود کشته در راه ایران زمین
 بهشت برین جایگاهش بود از یقین
 شفق خود ز اخلاص گفته چنین
 که ایران بود مهد اسلام و دین

منابع:

۱. اسکندریبیک منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح و مقابله اسماعیل برادران شاهرودی، نشر طلوع سیروس، ۱۳۶۴.
۲. تهرانی، اکبر، امیران دربار: شرح احوال خاندان سیل سپور (از صفوی تا قاجار)، شرکت سهامی انتشار با همکاری انتشارات حریر، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۳. تهرانی، اکبر، طهران قدیم تا تهران جدید، انتشارات بوستان، چاپ اول، ۱۳۸۹.

